

مرحوم آخوند سپس به یک «إن قلت و قلت» اشاره می‌کنند که درباره «کشف اتی وجوب ذی المقدمه» مطرح است:

«إن قلت لو كان وجوب المقدمة في زمان كاشفا عن سبق وجوب ذی المقدمة لزم وجوب جميع مقدماته و لو موسعا و ليس كذلك بحيث يجب عليه المبادرة لو فرض عدم تمكنه منها لو لم يبادر. قلت لا محيص عنه إلا إذا أخذ في الواجب من قبل سائر المقدمات قدرة خاصة و هي القدرة عليه بعد مجيء زمانه لا القدرة عليه في زمانه من زمان وجوبه فتدبر جدا.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. ان قلت: اگر وجوب مقدمه (که الآن موجود است و به آن علم داریم) کاشف از وجوب ذی المقدمه باشد، لازم می‌آید همه مقدمات (چه آنها که در زمان واجب قابل اتیان است و چه آنها که قابل اتیان نیست) از قبل واجب شود. [یعنی وجوب مقدمه مفوته را شارع قبل از زمان ذی المقدمه واجب کرده است، از این وجوب، وجوب ذی المقدمه در زمانی سابق بر زمان اتیان، کشف می‌شود. وقتی وجوب ذی المقدمه کشف شد، پس همه مقدمات دیگر هم باید از قبل اتیان شوند (اگر در زمان اتیان واجب امکان عمل به آنها نیست، یعنی می‌توان قبل از وقت به نیت وجوب، وضو گرفت).]

۲. این در حالی است که همه مقدمات، قبل از زمان اتیان به ذی المقدمه لازم الاتیان نیستند (یعنی جز مقدماتی که دلیل خاص دارد، بقیه مقدمات حتی اگر در زمان واجب، مقدور نیست، قبل از وقت لازم الاتیان نیستند).

۳. قلت: این لازمه را می‌پذیریم مگر اینکه:

۴. اگر ذی المقدمه را شارع چنین واجب کرده باشد: «این ذی المقدمه واجب است، اگر بر آن قدرت داری؛ و این قدرت، قدرتی است که بعد از رسیدن زمان آن باید موجود باشد و نه قدرتی که از زمان وجوب ذی المقدمه موجود بوده و باعث شده شما در زمان اتیان به ذی المقدمه قادر بر عمل باشی.»

[مثال: شارع «نوشیدن آب در ساعت ۳» را واجب کرده به شرطی که ساعت ۳ قدرت داشته باشی. البته وجوب «نوشیدن ساعت ۳» از صبح هست) ولی اگر شما از زمان وجوب (صبح) قدرت داری که آب را برای

۱. کفایة الأصول (طبع آل البيت)، ص ۱۰۵.



ساعت ۳ آماده کنی (قدرت بر واجب، در زمان واجب از زمان وجوب واجب)، آشامیدن برای شما واجب نشده است.]

ما می گوئیم:

۱. در حلّ وجوب مقدمات وجودیه (مفوتّه) می توان گفت که مرحوم آخوند سه راه حل ارائه کرده اند:

(الف) وجوب ذی المقدمه فعلی است و واجب استقبالی (واجب هم مطلق است)

(ب) وجوب ذی المقدمه فعلی است و واجب استقبالی (واجب مشروط است ولی به نحو شرط متأخر) [می-

توانیم بگوئیم تمایز لسان دلیل، این دو نوع را معلوم می کند به این بیان که اگر لسان دلیل به نحو

شرطی بود (اگر وقت شد روزه بگیر) به شرط متأخر قائل می شویم والاّ به واجب معلق.]

(ج) وجوب ذی المقدمه فعلی نیست ولی وجوب مقدمه فعلی است و نفسی تهیوی است.

ایشان سپس می گفتند چون راه حلّ دوّم موجود است، احتیاجی به راه حلّ اوّل نداریم.

۲. می گوئیم اولاً: اینکه واجب مطلق باشد یا مشروط، به ظاهر دلیل بستگی دارد. اگر دلیلی به نحو شرطی

بود، واجب مشروط را ثابت می کند و اگر به نحو شرطی نبود (گفته بود نماز را با وضو بجا آور)، قید

مذکور (وضو) قید ماده می شود و واجب مشروط نخواهد بود. [فراموش نکنیم که: در مورد امور استقبالی،

زمان مقدور نیست و لذا قید ماده نیست ولی تقیّد به زمان مستقبل مقدور است (سخن امام در پاسخ به

مرحوم نائینی) و می تواند قید ماده باشد.]

ثانیاً: اگر جایی لسان دلیل به نحو شرطی است و لذا ظاهر دلیل قید را قید هیأت میگیرد (ولذا وجوب

استقبالی می شود) ولی از طرفی مقدمات از قبل واجب هستند (ولذا باید بگوئیم وجوب حالی است) مرحوم

آخوند به شرط متأخر قائل می شوند. این در حالی است که - چنانکه سیدنا الاستاد گفته اند - شرط متأخر

خلاف ظاهر است و اینکه بگوئیم قید (علیرغم ظاهر شرطی جمله)، قید ماده است، مخالفت کمتری با ظاهر

و با فهم عرف دارد تا آنکه بگوئیم، شرط، به نحو شرط متأخر اخذ شده است.

۳. اما وجوب نفسی تهیوی:

سیدنا الاستاد اشکال کرده اند که تهیو یعنی وجوب برای وصول به ذی المقدمه و این با نفسی بودن سازگار

نیست پس اگر مقدمه ای برای وصول به مستحب است، استحباب تهیوی دارد و اگر برای وصول به واجب

است وجوب تهیوی دارد. اما به نظر می رسد می توان گفت تهیو در این حکمت جعل واجب است و با



نفسی بودن، منافات ندارد. (مثل اینکه نماز واجب نفسی است ولی برای وصول به هدفی است که معراج

مومن است) پس این وجوب غیر نیست اگر چه «لاجل الغير» و «لغير» است.<sup>۱</sup>

به عبارت دیگر: واجب غیر آن واجبی است که «چون چیز دیگر واجب شده است، واجب می شود» ولی

واجب بالغیر آن واجب است که «شارع آن را واجب می کند تا چیز دیگر واجب شود»

اضف الی ذلک: اگر وجوب نفسی تهیوی می تواند مشکل را حل کند (مشکل: وجوب مقدمه در حالیکه

هنوز شرط ذی المقدمه حاصل نشده است)، دیگر قائل به شرط متأخر نباید شد، چراکه شرط متأخر خلاف

ظاهر است و التزام به خلاف ظاهر در صورتی است که راه دیگری که با ظاهر دلیل سازگار باشد موجود

نباشد در حالیکه اگر مقدمه ای واجب است ولی می توان وجوب آن را از ناحیه وجوب ذی المقدمه ندانست،

لازم نیست به خلاف ظاهر تن داد.

کلام مرحوم نائینی درباره مقدمات مفوتّه:

مرحوم نائینی در پاسخ به این سوال که «اگر ذی المقدمه واجب نیست، چگونه قبل از تحقق شرط، بگوئیم

مقدمات مفوتّه واجب می باشند» می نویسد:

«و أجب عن الإشکال تارة بالالتزام بالواجب المعلق و أخرى بالالتزام بالشرط المتأخر و أنت بعد ما

عرفت استحالة الواجب المعلق و الشرط المتأخر تعرف عدم صحة الجواب بهما مع انهما لا ینفعان فی

إيجاب التعلّم قبل البلوغ و قبل الاستطاعة لعدم التکلیف بذی المقدمه قبلهما قطعاً مضافاً إلى ان لازم القول

بهما إيجاب تمام المقدمات لا خصوص التعلّم مع بداهة ان المسیر إلى الحج قبل الاستطاعة لا یقول بوجوبه

أحد و لو علم بوجود الاستطاعة فیما بعد فأی فرق بین التعلّم و بین بقية المقدمات الوجودية.»<sup>۲</sup>

ایشان سپس خود جواب می دهند:

«فالتحقیق فی الجواب ان یتمسک بذیل قاعدة أخرى عقلية مسلمة فی محلها و هی قاعدة ان الامتناع

بالاختیار لا ینافی الاختیار عقاباً و ان نافاه خطاباً و توضیح الاستدلال بها بحیث یترتب علیها التفرقة بین

المقدمات أیضاً انما یكون بیان امرین.»<sup>۳</sup>

۱. نک: نهاییه الاصول، ج ۱، ص ۱۸۰. لمحات الاصول، ص ۱۴۰.

۲. أجدود التقريرات، ج ۱، ص ۱۴۸.

۳. أجدود التقريرات، ج ۱، ص ۱۴۸.

